

نقد و بررسی کتاب برگزیده سال فهرست نسخه‌های خطی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (تالیف استاد احمد منزوی)



افکاری: بسم الله الرحمن الرحيم. با سلام حضور اساتید گرامی، نسخه‌شناسان، فهرست‌نگاران، محققان و پژوهشگران حاضر در جلسه.

بسیار خوشحالم که این فرصت مغتنم بار دیگر دست داد تا بتوانیم با حضور اساتید گرانمایه به نقد و بررسی فهرست نسخه‌های خطی و مسائل مربوط به حوزه‌های نسخ خطی بپردازیم. فهرست مجلد دوم نسخ خطی دایره‌المعارف بزرگ اسلامی توسط استاد و نسخه‌شناس برجسته استاد احمد منزوی سال گذشته تدوین شد و جایزه کتاب سال را به خود اختصاص داد. همانطور که مستحضر هستید کتاب سال جوایز خود را به موضوعات متعددی اختصاص می‌دهد که یکی از آنها به رده موضوعی کلیات تعلق می‌گیرد خوشبختانه امسال سه کتاب در حوزه کلیات توانست این جایزه با ارزش را به خود اختصاص دهد کتابی به نام اصطلاح‌نامه پزشکی با ویراستاری سرکار خانم دکتر رهادوست، دایره‌المعارف زیبایی‌شناسی به ویراستاری آقای دکتر مشیت‌اعلایی و فهرست حاضر که مجلد دوم نسخ خطی کتابخانه مرکز بزرگ دایره‌المعارف اسلامی است. باید به عرض برسانم این افتخار توسط یکی دیگر از فهرست‌نگاران و اساتید برجسته کشور نصیب فهرست و نسخه‌های خطی شد و آن هم کسب عنوان بهترین فهرست کتاب سال و فهرست نسخه‌های خطی توسط استاد ایرج افشار که متعلق بود به فهرست کتابخانه سلطنتی اتریش و این نخستین بار بود که فهرست نسخه‌های خطی ایرانی توسط فردی از اهل همان کشور و به دست یک ایرانی فهرست می‌شد که این موجب افتخار همه ماست. امسال هم خوشبختانه فهرست نسخه‌های خطی استاد منزوی توانست این جایزه با ارزش را کسب کند. غیر از مراسم کتاب سال حوزه نسخه‌های خطی و تألیفات، تصحیحات و فهارس مربوط به آن در برنامه دیگری به نام آیین بزرگداشت حامیان نسخه‌های خطی

حاضران:

فریبا افکاری:
دانشجوی دکتری کتابداری
و اطلاع‌رسانی دانشگاه تهران،
دبیر جلسه



احمد رضا رحیمی ریسه:
مدیر موسسه فهرستگان



استاد سید عبدالله انوار:
متخصص فهرست‌نگاری و
نسخه‌شناس



استاد احمد منزوی:
فهرست‌نگار و نسخه‌شناس



دکتر حبیب‌الله عظیمی:
معاون کتابخانه ملی سازمان
اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



ناصر گلپاز:
مدیر موسسه نمایه‌ساز





استاد انوار در فهرست‌های فرنگی‌ها غالباً فهرست‌نگاری و شرح حال نویسندگان کتاب با هم مخلوط می‌شد، یعنی یک نوع تاریخ ادبیات به اضافه فهرست

از این فهرست‌نگاری دو نوع استفاده می‌کنیم، مثلاً براون می‌گفت من هم نویسنده را می‌شناسم و هم کتابش را به وضع اجمال می‌رسانم ولی امروز ما می‌دانیم که دیگر وضع اجمال معنی ندارد و باید در یک فهرستی که عرضه می‌شود به قول ملاصدرا خواننده یک علم اجمالی پیدا کند و بعد اگر خواست کشف تفضیلی کند به کتاب مراجعه کند و سعی ما هم در فهرست‌نگاری این است. من در اینجا می‌توانم به این نکته اشاره کنم و آن درودی است به مرحوم مجتبی مینوی چون وقتی که ما می‌خواستیم فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی را تهیه کنیم به همین مشکلی که خانم افکاری فرمودند برخورد کردیم. یاد آقای ایرج افشار به خیر ایشان حدود ۴۸ یا ۴۹ سال پیش رئیس کتابخانه بودند، ایشان جلساتی تشکیل دادند که ما در آنجا نرُم‌هایی (اندازه‌هایی) برای فهرست‌نگاری انتخاب کنیم و بعد این کتاب را با آن نرُم‌ها عرضه کنیم. برگزار کنندگان آن کمیسیون آقای مرحوم مینوی، آقای مرحوم دانش‌پژوه، آقای زریاب‌خویی، آقای افشار و خود بنده بودیم که هر کدام نظریات خود را می‌نوشتیم و در آن جلسات مطرح می‌کردیم و بر روی آنها بحث‌های دقیقی می‌شد. با سختگیری‌هایی که مرحوم مینوی داشتند ما توانستیم یک اندازه و ارزش‌های درست کنیم و بر روی آن فرم برگه‌های کتابداری را تشکیل دادیم که یک طرف آن نسخه‌شناسی بود و یک طرف دیگر آن کتابشناسی. در کتابشناسی خصوصیات کتاب و در نسخه‌شناسی خصوصیات آن نسخه خاص بحث می‌شد و به این ترتیب کتاب عرضه می‌شد. به تشخیص من در حال حاضر هم وقتی فهرست نوشته می‌شود بر اساس همان معیارها است. فهرست آقای منزوی را هم که من امسال دیدم به همان سبک است. ایشان نسخه‌شناسی و کتابشناسی را با هم آورده که در مقایسه‌ای که انجام دادم، دیدم کار ایشان به مراتب بهتر از کار دیگران است و به همین دلیل هم ایشان نماینده اول شدند. حالا اگر کسی سوالی دارد بفرماید.

افکاری: استاد اشاره فرمودید به نخستین کاربرگه مدونی که سالها پیش توسط آن کمیسویی که در کتابخانه ملی صورت گرفت تدوین شد. انگیزه این کار برای تدوین کاربرگه‌ای مدون و مشخص که فهرست‌نگاران بتوانند از آن تبعیت کنند چه بود با توجه به اینکه آن زمان فرم مشخصی وجود نداشت؟

استاد انوار: بله، این مسئله یک نقطه کوری در فهرست‌نگاری ایران بود. نسخه خطی یک اندازه و فرم خاصی نداشت، چون نویسنده‌های این فرم از اعضای کتابخانه ملی بودند و کتابخانه ملی نقش کتابخانه

در کتابخانه مجلس هر ساله برگزار می‌شود، بسیاری از تصحیحات و فهارس از جمله فهرست کتابخانه ملی ایران، کتابخانه مرعشی نجفی و کتابخانه‌های دیگر موجب تقدیر و تشویق قرار می‌گرفت که جای بسی خوشحالی است. از نخستین فهرست‌های نسخه‌های خطی که در سال ۱۳۰۵، یعنی دقیقاً ۸۱ سال پیش در کتابخانه آستان قدس توسط مرحوم اوکتایی فهرست شد تا فهرست ابن یوسف در کتابخانه مجلس شورای اسلامی و دیگران که همت گماشتند و این فهارس را منتشر کردند مدت مدیدی است که می‌گذرد. فهرست نویسی در طول این مدت فراز و نشیب‌های بسیاری به خودش دیده است و امروزه سبک و شیوه خاصی پیدا کرده که به نقد و ارزیابی آن خواهیم پرداخت. علاوه بر آن در کشور ما افراد و نسخه‌شناسان برجسته‌ای هستند که هر کدام علاوه بر ویژگی‌های فهرست‌نویسی عمومی، دارای سبک خاصی هم هستند. استاد عبدالحسین حائری در کتابخانه مجلس، استاد سعیدعبدالله انوار که سال‌ها مسئولیت بخش نسخ خطی کتابخانه ملی را عهده‌دار بودند، استاد احمد منزوی، استاد ایرج افشار و اساتید دیگر هر یک دارای شیوه و سبک خودشان هستند که امروز به برخی از این مسائل خواهیم پرداخت. از میهمانان ارجمندی که در این جلسه حضور دارند که هر کدام از متخصصان و فهرست‌نگاران و نسخه‌شناسان برجسته کشور هستند و من را در این سمینار یاری می‌کنند تشکر می‌کنم. اولین سوال خود را از استاد انوار به عنوان نماینده هیأت داوران که در ارزیابی این فهرست نقش اساسی داشتند می‌پرسم که استاد آیا شما اصولاً به وجود سبک فهرست‌نگاری ایرانی اعتقاد دارید و تفاوت فهرست‌نویسی گذشته با امروز را در چه چیزی می‌بینید و تغییراتی که در طول این مدت انجام شده است را چطور ارزیابی می‌فرمایید؟

استاد انوار: به نظر من امروز فهرست‌نگاری یک حالت استاندارد پیدا کرده است البته ممکن است در حواشی آن فراز و نشیب‌هایی وجود داشته باشد ولی اصولاً فهرست‌نگاری خطی بر یک پایه استاندارد قرار گرفته و انجام می‌شود. مطمئناً به طور قاطع می‌توانم بگویم که بین فهرست‌هایی که امروزه انجام می‌شود با فهرست‌هایی که به قول خانم افکاری در ۸۵ سال پیش انجام می‌شد تفاوت بسیاری وجود دارد و علاوه بر آن فهرست‌هایی که در ایران نوشته می‌شود با فهرست‌هایی که فرنگی‌ها نوشته‌اند فرق دارد. در فهرست‌های فرنگی‌ها غالباً فهرست‌نگاری و شرح حال نویسندگان کتاب با هم مخلوط می‌شد، یعنی یک نوع تاریخ ادبیات به اضافه فهرست؛ و فهرست هم آن چنان که می‌خواستند مبین مافی‌الکتاب نبوده ولی فرنگی‌ها می‌گفتند که ما

استاد انوار

امروزه باید در یک فهرستی که عرضه می‌شود به قول ملاصدرا خواننده یک علم اجمالی پیدا کند و بعد اگر خواست کشف تفضیلی کند به کتاب مراجعه کند و سعی ما هم در فهرستننگاری این است

به جلو می‌رویم و بحث فناوری، کتابخانه دیجیتال، نرم‌افزار، ارتباط با کتابخانه‌های دیگر پیش می‌آید نیاز به این است که یک مقدار نگاه وسیع‌تری را داشته باشیم و خصوصاً این واقعیت را لحاظ کنیم. در بحث فهرستنویسی نسخه‌های خطی اساتید ایرانی از هر نظر پیش‌تاز هستند و هیچ فهرست تدوین شده نسخه خطی به قوت و استحکام فهرست اساتید ایرانی نیست وقتی به این نکات توجه داشته باشیم شاید این احساس نیاز بشود که ما هم از همان فرمت استفاده کنیم و یک مرحله جلوتر رویم در واقع آن فرمت و آن کاربرگه پایه و ماخذ ما بود، یک مرحله جلوتر قدم گذاشتیم. جلسات متعددی با حضور خود بنده به عنوان فهرستنویس کتابخانه ملی و شاگرد استاد انوار، اساتید فهرستنویس کتابهای چاپی، اساتید کتابداری همچون استاد فانی، سرکار خانم پوری سلطانی و خانم دکتر بهزادی برگزار شد که این جلسات شاید بدون اغراق در حدود ۲۰ الی ۳۰ جلسه به طول انجامید و در خصوص اینکه از ما انتظار داشتند یک گام به جلوتر برداریم و اگر ما یک گام به مکانیزه شدن، وحدت رویه و به فرمت استاندارد رسیدن نسخه خطی برداریم هیچ منافاتی با ارزش علمی کاری که اساتید بزرگ در گذشته انجام دادند ندارد و با این دیدگاه یک فرمت جدیدی را تعریف کردیم که در این فرمت همان دو بخش کتابشناسی و نسخه‌شناسی را حفظ کردیم منتهی برای قالب و فرمت ما عنوان (Title) درست کردیم در واقع کاربری که بخواهد فهرست را نگاه کند می‌تواند با سرعت هر بخش مورد نیاز خود را پیدا کند و مجبور نباشد تمام فهرست را بگردد. خصوصاً وقتی بحث استفاده از نرم‌افزار و شبکه و این جنبه‌ها مطرح می‌شود می‌خواهیم یک برنامه نرم‌افزاری جامعی را طراحی کنیم که هر چقدر ما این را به استانداردها نزدیک کنیم و خودمان قرار است استاندارد درست کنیم امر منطقی است، از این جهت که اولاً برای فرمت کتابشناسی و نسخه‌شناسی زیرعنوان (Subtitle) درست کردیم در واقع از همانها استفاده کردیم و چیز جدیدی به آن اضافه نکردیم فقط کمی در فرمت ظاهری آن تغییرات دادیم آن هم به دلیل اینکه استفاده آن برای کاربر بهتر باشد و انتقال آن به نرم‌افزار ساده‌تر باشد و نکته دوم همانطور که سرکار خانم افکاری فرمودند استفاده از مستند مشاهیر در بحث اعلام و سرشناسه است. اینکه مؤلف یا پدیدآورنده اصلی را مستند کنیم و مثلاً به جای اینکه بگوییم ابن سینا، خواجه‌نصیرالدین طوسی و یا شیخ بهایی آن را به شکل استاندارد با نام کوچک، نام پدر، تاریخ تولد و وفات بیاوریم در واقع همان شکل استاندارد است که در علم کتابداری در همه جای دنیا هم برای فهرست کتابها استفاده می‌کنند، چه اشکالی دارد ما هم استفاده کنیم. و بعد فهرست نویس قصد دارد نام کامل مولف را

مادر را دارد ما سعی کردیم برای اولین بار یک فرم خاصی را به وجود بیاوریم و اتفاقاً این فرم در عمل مورد استفاده واقع شد و در طول کار هم اگر اختلافی پیدا می‌شد به تدریج رفع می‌شد؛ گمان نمی‌کنم که یک نسخه خطی به فرم‌هایی بیش از آن که در آنجا فراهم شد نیاز داشته باشد و نکته مهم این است که فهرستنگار باید نهایت صمیمیت را در کار داشته باشد، هیچ اشکالی ندارد که اگر در معرفی یک کتاب اشتباه کند چون کار علمی است و کار علمی عاری از اشتباه نیست ولی باید به طور کلی مافی‌الکتاب را عمداً بر روی همین اصل بگذاریم. از لحاظ کتابشناسی، کتاب را بخواند و خلاصه کند و در آن برگه‌ها بیاورد و از نظر نسخه‌شناسی واجب است که فهرستنگار حتی نوع کاغذ، رنگ مرکب و تاریخ آن را تشخیص دهد چون با جزئی‌ترین تغییر در اینها قیمت کتاب متفاوت می‌شود. ما سعی کردیم که در فهرست‌ها این مسائل رعایت شوند.

افکاری: می‌خواهم از آقای دکتر عظیمی سوال کنم که استاد انوار اشاره کردند به نخستین کاربرگه‌های رسمی که در کتابخانه ملی استفاده شده، ما در چند سال اخیر شاهد فهارس جدیدی هستیم که از طرف کتابخانه ملی منتشر می‌شود و شیوه جدیدی از این فهارس منتشر شده که سعی شده آیت‌های مشخص و تفکیک شده کتابشناسی و نسخه‌شناسی در آن درج شود و در این آیت‌های مشخص علاوه بر موضوعات نسخه‌های خطی سعی شده که از عناوین و سرشناسه‌های کتب چاپی استفاده شود؛ این حرکت موافقان و مخالفان و نظریات متفاوتی را به همراه داشته، جنابعالی که مسئولیت مهمی در آنجا به عهده‌دارید انگیزه خود را از اضافه کردن این بخش و نزدیک شدن فهارس و نسخ خطی به فرمت‌های چاپی به خصوص در حوزه موضوعات و سرشناسه‌ها چطور ارزیابی می‌فرمایید و فکر می‌کنید چه مزیتی را برای این فهارس در پی خواهد داشت.

دکتر عظیمی: با عرض ادب خدمت اساتید محترم حاضر در جلسه، اجازه می‌خواهم که مطالبی را عرض کنم. همچنان که استاد انوار فرمودند در آن سالهای دوری که شاید فرمتی و یا کاربرگه‌ای برای فهرستنویسی خطی وجود نداشت این اساتید به عنوان اساتیدی که در کتابخانه ملی حضور داشتند به این نتیجه رسیدند که یک فرمتی را تعریف کنند که انصافاً در آن زمان هم یک کاربرگه بسیار محکم، متقن و کارشناسی بود و سالیان سال بر مبنای آن کاربرگه فهرست‌های متعددی که بیشتر حاصل زحمات استاد انوار بود تدوین شد و به منظر محققان ارائه شد. منتهی در واقع وقتی که ما کمی



دکتر عظیمی
اگر قرار است ما یک بانک اطلاعات
مشترک داشته باشیم وجود یک فرمت
استاندارد رایانه‌ای منطقی است

با توجه به اینکه فقدان این سرعنوان موضوعی نسخه‌های خطی حس می‌شود و روز به روز هم بیشتر به آن نیاز است چرا تا به حال سرعنوان موضوعی مدونی از سوی نسخه‌شناسان و اساتیدی مثل شما و دیگران تدوین نشده است که بتواند در این امر کمک کند؛ و اگر قرار است تهیه شود در ابتدای کار باید چکار کنیم تا با مشکلاتی که آقای دکتر اشاره فرمودند برخورد نکنیم؟

استاد منزوی: به نظر من در این کار کمی سلیقه به کار رفته است.

افکاری: استاد با توجه به این که این سلاقی هنوز هم اعمال می‌شود به نظر شما چه تدبیری باید اندیشید تا این سرعنوان موضوعی درباره نسخه‌های خطی به شکل مدون و استاندارد انجام شود. چه کار باید کرد که آنها از حالت سلیقه‌ای خارج شود و استاندارد مصوبی که مورد تأیید همه نسخه‌شناسان است به عنوان معیار قرار گیرد.

استاد منزوی: این کار را می‌توانید انجام دهید ولی من موضع خود را حفظ می‌کنم مثلاً کتاب حدیث را وارد اخلاق می‌کنم و حدیث را مبنا نمی‌گیرم این حدیث، یا پزشکی است یا ریاضی و یا ستاره‌شناسی و آن را در این موضوعات قرار می‌دهم.

افکاری: همان طوری که آقای دکتر اشاره کردند ممکن است که یک کتاب دارای موضوعات متعددی باشد پس شما هم موافق هستید که یک کتاب ممکن است موضوعات متعددی داشته باشد و این امکان وجود دارد که به یک کتاب موضوعات متعددی تعلق بگیرد.

استاد منزوی: بله به یک کتاب می‌تواند موضوعات متعددی تعلق بگیرد.

افکاری: آقای دکتر عظیمی با توجه به تلاش‌هایی که فرمودید تا به حال انجام شده، کتابخانه ملی به چه نتیجه قطعی در مورد سرعنوان موضوعی رسیده است؟

دکتر عظیمی: من به عنوان یک فهرست‌نویس نسخه‌های خطی بهتر دیدم که چند جلد فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی آماده شود و در دسترس محققین و اساتید قرار گیرد. در مورد سرعنوان موضوعی نسخه‌های خطی نیز می‌توانیم کمیته‌های کارشناسی تشکیل داده و با استفاده از نظرات اساتید آنها را تصویب کنیم. در واقع کاری

که از متن برآمده است و از منابع دیگر استفاده کرده است می‌خواهد این را در جایی منعکس کند که ما تکرار نام مؤلف را در این کاربرد (Work sheet) پیش‌بینی کردیم، یک کتاب ناشناس است یا یک مؤلف ناشناس است و در این کتاب، خود را با نام مفصل معرفی کرده است و ما قطعاً جایی برای آن پیش‌بینی کرده‌ایم، منتهی سرشناسه اصلی که می‌خواهیم آن را با این نام بشناسیم همان مستند شده نام مؤلف است. در بحث موضوعات بارها مشاهده شده است که هر استاد و یا هر فهرست‌نگاری به یک کتاب واحد موضوعات متعدد اختصاص داده‌اند به نظر ما این اشکالی ندارد، حسن هم دارد و دور شدن از آن مبنای علمی پایگاه داده اساتید نیست. ولی اگر ما موضوعات را هم مستند کنیم و از سرعنوان‌های موضوعی تا آنجا که پاسخگوی نیاز نسخه‌های خطی هستند استفاده کنیم، به کاربران و محققان کمک بیشتری می‌شود. این کار مد نظر قرار گرفت، مخصوصاً در مورد تعدد موضوعی کتاب‌ها انجام شد. در فهرست‌های اساتید ما عمدتاً یک موضوع استفاده می‌شد، وقتی کتابی سه یا چهار موضوع داشته باشد، کاربر مجبور است با یک موضوع آن را جستجو کند و موضوعات دیگر قابل جستجو نیستند پس اگر ما به کتاب‌ها بیش از یک موضوع اختصاص دهیم، در نظام نرم‌افزاری و رایانه‌ای و دنیای شلوغی که محقق کمتر فرصت دارد، می‌تواند به محقق کمک کند. البته موضوعات باید کنترل شده و از پیش تعیین شده باشند و اگر موضوعی جدید است حتماً استاندارد باشد. این تفاوت عمده‌ای بود که سبک و سیاق ما با سبک و سیاق اساتید ما داشت در واقع ما ادامه کار آنها را انجام دادیم و فقط یک گام به سوی نرم‌افزاری و رایانه‌ای شدن و یک گام به سوی بانک مشترک اطلاعات نسخه‌های خطی برداشتیم. اگر قرار است ما یک بانک اطلاعات مشترک داشته باشیم وجود یک فرمت استاندارد رایانه‌ای منطقی است، که برطبق آن به جلو برویم. علی‌رغم اینکه ما دوستان موافق و مخالف زیادی داشتیم از اساتید بسیاری دعوت کردیم که طی جلساتی متوجه اشکالات این فرمت و روش بشویم و اگر واقعاً قابل قبول باشد با کمال میل تکمیل می‌کنیم و تصویب بر روی کم و زیاد شدن آن نداریم. انشاءالله که از نظریات دوستان بیشتر استفاده کنیم.

افکاری: استاد منزوی، آقای دکتر عظیمی به ریز شدن موضوعات در حوزه نسخه‌های خطی در کتابخانه ملی اشاره فرمودند. در فهرست شما هم این تلاش دیده می‌شود یعنی شما هم سعی کرده‌اید که فهرست‌ها، عناوین نسخه‌های خطی و موضوعات را از حالت کلی خارج کرده و با یک عنوان جزئی‌تر و دقیق‌تری مشخص بفرمایید،

دکتر عظیمی این سنت حسنه بیان نوع کاغذ یکی از اصول و قواعد فهرست‌نویسی است که اگر به دست فراموشی برود جای بسی درنگ است

ملی برلین کار ویلهم آلوارد که ابتدا نسخه‌شناسی را آورده و بعد به تفسیر متن پرداخته است. در مورد فهرست ریو برای کتابخانه ملی انگلیس و یا فهرست بلوشه برای کتابخانه ملی پاریس هم همین روش اجرا شده یعنی اول به متن و بعد به نسخه پرداختند. تفاوتی که در فهرست‌های امروز با فهرست‌های قدیم نسخه‌های فرنگی به چشم می‌خورد در این است که در فهرست‌های قدیم بیشتر به مباحث متنی و شناخت کتاب می‌پرداختند و برای آنها مهم بود که متنی که روبروی خود دارند چه متنی است و چه مشکلاتی را می‌تواند از تاریخ ادبیات یا تاریخ علم برای آنها حل کند و کمتر به مباحث نسخه‌شناسی می‌پرداختند. امروزه تقریباً برعکس شده آنها متن را بسیار سریع گزارش می‌کنند و بیشتر به باریک‌بینی و نکته‌بینی در مسائل فنی نسخه از قبیل انواع کاغذ، جلد، خط و مرکب می‌پردازند. در ایران اولین فهرست در سال ۱۳۰۵ یعنی حدود ۸۱ سال پیش چاپ شد و از همان موقع این روش را به تمامه اقتباس کردیم اما در طول این هشتاد سال فهرست‌نگاری در ایران خوشبختانه به مرحله‌ای رسیده که می‌توان از اصطلاح فهرست‌نگاری ایرانی استفاده کرد. فهرست‌نگاری ایرانی شیوه‌ای است که به مباحث متن‌شناسی و نسخه‌شناسی به طور کامل می‌پردازد، اما هم در متن‌شناسی و هم در نسخه‌شناسی به موارد دیگری اشاره می‌کند که فرنگی‌ها به آن اشاره نمی‌کردند. من اوج این روش را در فهرست آقای منزوی می‌دانم به ویژه در جلد دوم فهرست دایره‌المعارف که ایشان با باز کردن سرفصلی یا به قول خودشان سربندی با عنوان «منابعی دیگر» سعی می‌کنند نسخه در دست را آنچنان با نسخه‌های موجود دیگر این اثر و با منابع دیگر بسنجند که هرگونه اطلاعات جنبی که درباره این متن و نسخه در منابع دیگر هست را به طور فشرده ولی کامل در یک محدوده چند خطی کامل ذکر کنند. این باعث می‌شود که این نسخه در دست ما با نسخه‌های هم‌خانواده خود و با نسخه‌های قرینه خود در مجموعه‌های دیگر کاملاً شناخته شود و فواید بیشماری از این روش به دست می‌آید. من دوباره به روش ایشان که نام آن را فهرست‌نگاری تطبیقی یا تطبیقی - تحقیقی گذاشتند برمی‌گردم، اما از اینجا می‌خواهم گریزی به روش عرب‌ها و کشورهای عربی بزنم. متأسفانه روشی که در کشورهای عربی به کار می‌رود چه در قدیم و چه امروزه بیشتر به روش هندلیست و سیاهه و فهرست نامگو شبیه است. فهرست‌هایی که امروزه در عربستان منتشر می‌شود بیشتر به دفتر ثبت شبیه هستند یعنی فاقد متن‌شناسی و نسخه‌شناسی هستند. مشکل دیگری که در کشورهای عربی به چشم می‌خورد بی‌اعتنایی به منابع ایرانی است، این بی‌اعتنایی به حدی است که این شاعبه

که هم‌اکنون در سرعنوان‌های موضوعی چاپی انجام می‌شود، چنین نیست که هر فهرست‌نویس چاپی بتواند برای خود یک عنوان انتخاب کند، نمی‌توانیم آن را سرعنوان مصوب بنامیم. سرعنوان مصوب سرعنوانی است که توسط کمیته‌ای از کارشناسان و اساتید مصوب و تایید شده باشد. در حال حاضر ما این آمادگی را داریم که لیستی از این عناوین تهیه کنیم و طی جلساتی که با اساتید برگزار می‌کنیم نظرات اساتید را جویا شویم، عناوین توسط اساتید تصویب شده و به عنوان سرعنوان موضوعی نسخه‌های خطی قرار گیرد. اگر استاد انوار و استاد منزوی این قول را به ما شاگردان خود بدهند که در خدمت این اساتید محترم در مورد تک تک موضوعات تأیید و تصویب آنها را داشته باشیم، ما با کمال میل این کار را انجام می‌دهیم.

افکاری: البته همانطور که فرمودید مستلزم تهیه همان پیش‌نویس اولیه است.

دکتر عظیمی: در حال حاضر ما آمادگی آن را داریم اما کمی صبر کردیم تا در زمینه نسخه‌های خطی موضوعات جدیدتری بیابیم و بعد به تهیه لیست بپردازیم.

افکاری: سوال بعدی من از جناب آقای رحیمی ریشه است با توجه به تجربه‌ای که در ترجمه فهرس سزگین به فارسی و مشارکتی که در فهرست استاد افشار (فهرست کتابخانه اتریش) داشتید و تجربه شما در این حوزه با توجه به این که با بسیاری از فهرس خارجی هم سر و کار داشتید به نظر شما چه تفاوتی بین شیوه فهرست‌نویسان ایرانی و فهرست‌نویسان کشورهای دیگر از جمله کشورهای عربی، اروپایی و کشورهای که به زبان ترکی فهرست می‌نویسند است. به ویژه ارزیابی خود را در مورد کشورهای عربی بفرمایید.

رحیمی‌ریشه: اصول اولیه فهرست‌نگاری مرسوم در ایران، به شیوه‌ای که حدود دو بیست سال پیش فرنگی‌ها پایه‌گذاری کردند برمی‌گردد. آنها زودتر از آن که به نسخه‌های عربی و فارسی بپردازند، مجموعه‌های یونانی کهن و لاتین خود را فهرست کرده بودند و از همان روشی که برای مجموعه‌های زبان‌های بومی خود به کار می‌بردند برای نسخه‌های عربی و فارسی نیز استفاده کردند. اصول کلی آن هم تقریباً شبیه همانی است که امروزه در ایران مرسوم است، در ابتدا به متن‌شناسی و کتابشناسی و بعد به نسخه‌شناسی می‌پردازند. البته در برخی موارد فرق می‌کند مثلاً در ده جلد فهرست کتابخانه



رحیمی ریشه
فهرست‌هایی که در ترکیه چاپ می‌شوند به غیر از شزه و
ندر عمدتاً التقاطی از فهرست‌نگاری فرنگی و فهرست‌نگاری
عربی است و بیشتر نزدیک به فهرست‌نگاری عربی هستند
یعنی خیلی مختصر و کوتاه و در حد همان دفتر ثبت به اضافه
اطلاعات بیشتر

عنوان تدوین شده و آن را به دنیای عربی و فرنگی عرضه کنند.

افکاری: بسیار متشکرم از توضیحی که فرمودید. سوال بعدی من از جناب آقای گلپاز است که ایشان حدود دویست جلد از فهرس‌های نسخه‌های خطی را با حوصله‌ای بسیار و جزئیات کامل کتابشناسی و نسخه‌شناسی در بانک خود ورود اطلاعات کردند و خروجی‌های بسیار دقیقی هم از آن قابل استفاده است. با توجه به زحمتی که کشیدید و با جزئیات و دقت بسیار زیاد با همه فهرس‌ها روبرو شدید، فهرست استاد منزوی به ویژه شیوه ایشان را در ورود اطلاعات به بانک خود چقدر قابل دسترس و مفید می‌دانید و استفاده از این شیوه برای کار شما چه مزیت‌هایی را در برداشته است.

گلپاز: به عنوان مقدمه باید عرض کنم ویژگی مهم کار استاد منزوی نگاه کلان ایشان به بحث اطلاع‌رسانی بوده است. شاید اطلاع‌رسانی کلمه‌ای جدید باشد که در همه زمینه‌ها استفاده می‌شود، در حوزه نسخه‌های خطی نگاه ایشان نگاه حل مسئله است، حل مسئله پژوهشگر و همچنین نگاه کاربردی که دارند. همان طور که جناب آقای رحیمی‌ریشه فرمودند ایشان وقتی به منابع دیگر اشاره می‌کنند قصد دارند مشکل پژوهشگر را حل کنند، وقتی منابع دیگر را می‌آورند نه فقط به فهرست‌های نسخه‌های خطی دیگر بلکه به فهرست‌های مشترک، کتابهای رجالی، تذکره‌ها نیز اشاره می‌کنند. به خصوص ویژگی مهم کار استاد در فهرست مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، جمع آمدن تجارب هفتاد ساله ایشان با استاندارد دایرةالمعارف نویسی است، وقتی اینها در کنار هم قرار می‌گیرند ثمره آن را می‌توانیم مشاهده کنیم. استاد منزوی در فهرست دایرةالمعارف نشان دادند که هیچ‌گاه از فراگیری و آموختن و گردآوری تجارب کناره نگرفته‌اند. از هنگامی که در سن پنج سالگی در کنار مرحوم پدر حاج‌آقا بزرگ تهرانی فیش‌های الضریعه را پاک‌نویس می‌کردند و در حقیقت در حال آموزش فهرست‌نویسی بودند، تا وقتی که در کنار برادر گرانقدرشان استاد علی‌نقی منزوی و سایر اساتید در فهرست‌نویسی کتابخانه سپهسالار، کتابخانه مجلس شورا، کتابخانه ملی ملک و کار سترگ فهرست نسخه‌های خطی و فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان و کار عظیم فهرست‌تواره نسخه‌های خطی که هم‌اکنون هم در حال انجام آن هستند علی‌رغم مشکلات جسمانی گویی تمام این تجارب به صورت درهم‌کرد در فهرست بزرگ دایرةالمعارف اسلامی جمع‌آوری شده و از طرفی روش‌های استاندارد دایرةالمعارف نویسی با این تجارب پیوند خورده‌اند. استاد هوشمندانه سبکی نو و کارآمد را در

پیش می‌آید که شاید این بی‌اعتنایی عمدی بوده و نه از سر سهو. کتابخانه‌هایی در ایران هستند که با کتابخانه‌های کشورهای عربی مبادله دارند همچنین کتابخانه ملی نیز با آنها مبادله دارد، کتابخانه آقای مرعشی در قم با این کتابخانه‌ها مبادله دارد اما ما هیچ نشانی از این کتابخانه‌ها در فهرست‌های عربی نمی‌بینیم. باید به این توجه داشت که شاید نیمی از نسخه‌هایی که در فهرست‌های ایران در حال معرفی است، نسخه‌های به زبان عربی است و عمده این نسخه‌ها نسخه‌هایی هستند که مربوط به فرهنگ عربی است، کتب اهل سنت و یا کتاب‌های کلامی اهل سنت به عربی هستند اما متأسفانه به اینها هم توجه نمی‌کنند. گمان می‌کنم این بی‌اعتنایی سهوی نیست و نوعی تعمد در آن به چشم می‌خورد. در فهرست‌نگاری ترکی که اگر بتوان این اصطلاح را برای آن به کار برد، من مشخصه و ممیزهای خاصی در فهرست‌های ترکی نمی‌بینم. فهرست‌هایی که در ترکیه چاپ می‌شوند به غیر از شزه و ندر عمدتاً التقاطی از فهرست‌نگاری فرنگی و فهرست‌نگاری عربی است و بیشتر نزدیک به فهرست‌نگاری عربی هستند یعنی خیلی مختصر و کوتاه و در حد همان دفتر ثبت به اضافه اطلاعات بیشتر. اما روشی که خوشبختانه در یکی دو دهه اخیر در ایران باب شده و جا افتاده و هم فهرست‌نگاران بزرگ‌تر و اساتید ما و همچنین فهرست‌نگاران جوان‌تر ما در قم و مشهد و بقیه شهرستان‌ها آن را به کار می‌برند. می‌توان گفت که این شیوه به جایگاهی دست یافته است. ما باید این روش را به صورت یک منشور و راهنما برای کشورهای ترکی و عربی و حتی کشورهای فرنگی تهیه کنیم. این منشور به عربی ترجمه شده و در یکی از نشریات کشورهای عربی چاپ شود و همچنین به زبان انگلیسی نیز ترجمه شده و در یکی از کشورهای اروپایی به چاپ برسد تا دوستان عرب ما اگر هم تعمدی در نادیده انگاشتن به فهرست‌های ایرانی ندارند بدانند که این فهرست‌ها می‌تواند چه مشکلی را از آنها برطرف کند.

افکاری: بسیار پیشنهاد خوبی فرمودید، به نظر شما متولی آن برای اجرایی کردن این کار کیست؟

رحیمی‌ریشه: به نظر من یکی از دستگاه‌های دولتی، همچنین کتابخانه ملی می‌توانند این کار را انجام دهند. با توجه به مباحث و فعالیت‌هایی که در خانه کتاب انجام شده خانه کتاب هم می‌تواند متولی این امر باشد. از کتابخانه‌هایی که در این زمینه فعالیت دارند مانند کتابخانه آقای دکتر مرعشی نیز می‌تواند متولی این کار باشد. مجموع آنها باید اقدامی انجام دهند که این شیوه‌نامه فهرست‌نگاری ایرانی با همین

رحیمی ریسه

فهرست‌نگاری ایرانی شیوه‌ای است که به مباحث متن‌شناسی و نسخه‌شناسی به طور کامل می‌پردازد، اما هم در متن‌شناسی و هم در نسخه‌شناسی به موارد دیگری اشاره می‌کند که فرنگی‌ها به آن اشاره نمی‌کردند

انجام شده، در فهرست سپهسالار هم مرحوم ابن‌یوسف شیرازی در انتهای فهرست به اهداء کننده نسخه خطی اشاره کردند. ولی من در فهرست‌های دیگر کمتر دیدم این کار انجام شود. من فکر می‌کنم این کار یک ویژگی است و احیای یک سنت حسنه است که از این طریق می‌توان اهداء کنندگان را تشویق کرد همچنان که اسم واقف در چندین مورد و به تعداد نسخه‌های خطی که هدیه کرده است در فهرست می‌آید و این نوعی قدردانی و قدرشناسی بوده و تشویقی است برای دیگر واقفین که نسخه‌های خطی خود به یک مرکز هدیه یا وقف کنند. نمایه‌های متنوعی که ایشان در انتهای فهرست آورده است بسیار کاربردی هستند و کمک فراوانی برای استفاده از این فهرست به محقق کرده‌اند. به نظر من در تکامل سیر فهرست‌نویسی ایشان وقتی مقایسه‌ای انجام دادم، تنوع نمایه‌ها به چشم می‌خورد. کتابخانه ملک نیز نمایه‌های متعددی دارد و این نمایه‌ها با کمک مجموعه آن کتابخانه انجام می‌شود. لیست نمایه‌های دهگانه فهرست استاد منزوی عبارتند از: نام نگارندگان، نام کاتبان، نمایه کتاب‌ها به ترتیب الفبایی، نمایه کتاب‌ها بر حسب موضوع، نمایه مهرها، نمایه نام کسان، جای‌ها، نمایه دارندگان نسخه‌ها (مالکان قبلی نسخه‌ها)، نمایه کتاب‌ها بر پایه زبان و فهرست قبایل و خاندان. این نوع تنوع نمایه را ما در فهرست اتریش هم می‌بینیم و همانطور که جناب آقای دکتر عظیمی فرمودند حرکت به طرف کاربردی‌تر کردن فهرست‌ها و بیشتر استاندارد شدن فهرست‌ها شروع شده و ادامه پیدا کرده و این سبک ایرانی در حال شکل‌گیری است و هیچ‌کجا ناگزیر از این نیستند که این سبک را بپذیرند حتی علی‌رغم میل آنها و چه خوب است با همت مراکز علمی - فرهنگی به خصوص خانه کتاب در بحث اطلاع‌رسانی نسخه‌های خطی و با حضور مدیریت جدید روزه امیدوی باز شده با توجه به عنایت مدیریت جدید به نسخه‌های خطی و به اطلاع‌رسانی نسخه‌های خطی من فکر می‌کنم که با همکاری این مراکز به خصوص کتابخانه ملی، خانه کتاب و سایر کتابخانه‌هایی که به نوعی دخیل هستند، به ثبت رساندن این سبک و ترجمه این شیوه‌نامه به زبان‌های مختلف و مطرح کردن آن در محافل و مجامع بین‌المللی می‌تواند عدم حضور ما در محافل بین‌المللی را جبران کند.

افکاری: استاد انوار، آقای گل‌باز و دوستان دیگر به نزدیک شدن شیوه‌های فهرست‌نویسی کتابخانه‌های مختلف به هم اشاره کردند و تقریباً یک‌دست شدن خروجی فهرست‌هایی که بسیار کاربردی هستند با نمایه‌های متعدد، مقدمه‌هایی که روش کار را توضیح می‌دهد، امروزه با اطلاعات بسیار مفیدی که به فهرست‌ها اضافه می‌شود

فهرست‌نویسی ارائه کردند. ممکن است عده‌ای مطرح کنند که جمع آمدن تجارب باعث می‌شود که کار بهتر شود ولی در بسیاری از کارها مشاهده شده که سالیان سال می‌گذرد و هیچ بازنگری در شیوه‌های قدیمی نمی‌شود. من کار ایشان را با سایر فهرست‌نویسان مقایسه نکردم بلکه فقط با فهرست‌های سابق خود ایشان مقایسه کردم و دیدم که ایشان کار خود را بازنگری کردند و شیوه‌های جدیدی را به کار بردند. ملاحظه کنید استفاده از آوانگاری برای عنوان کتاب در این فهرست یک ویژگی خاص است، استفاده فهرست در خارج از ایران برای دانشجویانی که خارج از کشور به این فهرست مراجعه می‌کنند بسیار کارآمد است زیرا نسل جدید پژوهشگران برخلاف مستشرقین گذشته هستند که به راحتی از متون فارسی و عربی استفاده می‌کردند. آنها نسل ضعیف‌تری هستند و نیاز به این دارند که عنوان آوانگاری شود. از دیگر ویژگی‌های این فهرست می‌توان به ذکر منابع و مأخذ در ابتدای فهرست به صورت کامل، ذکر تاریخ حیات و وفات مؤلف به تاریخ قمری و میلادی، ذکر محل تولد یا وفات مؤلف در کنار تاریخ حیات و وفات، ذکر تمامی سرفصل‌ها و بخش‌بندی‌های فصول و ابواب مانند مجمر، لمعه، رشحه، بحر، فصل و امثال آن اشاره کرد که این ویژگی خاص در کشف نسخه‌های ناشناس به محقق کمک می‌کند، در مورد نسخه‌هایی که مؤلف مشخص ندارند یا تاریخ نگارش مشخص ندارند، گاهی ابتدا و انتهای آن اقتاده است و آغاز و انجامی هم ندارد ولی فصول و ابواب دارد ایشان از سرفصل‌ها گرفته تا عناوین فرعی تمام آنها را ذکر کردند. در بحث منابع، ایشان به فهرست‌های مشترک، کتب رجالی و تذکره‌ها اشاره کردند. شاید مطرح شود که تا این اندازه به محقق کمک کردن و به جای او زحمت کشیدن صلاح نیست، بهتر است محقق خود نیز به کتابهای مرجع رجوع کند. ولی واقعیت این است که در دنیای امروز و با توجه به ویژگی‌های خاص و جزئی شدن موضوعات پژوهش و فضایی که سرعت عمل را می‌طلبد کمک کردن به پژوهشگران به خصوص نسل جدید، به هر طریقی می‌تواند مفید باشد. من قبلاً از قول پدر محترم استاد عرض کردم که ایشان می‌فرمودند «ما عالم نیستیم ما خادم‌العلماء هستیم»، اگر هدف این فهرست‌ها، بانک‌ها و اطلاع‌رسانی را خدمات‌رسانی به پژوهشگران در نظر بگیریم به این نتیجه می‌رسیم که این کار بیهوده‌ای نیست که ما به پژوهشگران کمک کنیم. در بحث منابع دیگر مانند کتاب‌های چاپی هم ایشان بدون استثناء هر جا که در فهرست کتاب‌های چاپی مثل مجموعه خان بابا مشار بوده اشاره کردند. ذکر اهداء کننده نسخه‌های خطی از دیگر ویژگی‌های آن است که البته این کار برای اولین بار نیست که



**گلباز
در حوزه نسخه‌های خطی نگاه استاد
منزوی نگاه حل مسئله است، حل
مسئله پژوهشگر و همچنین نگاه
کاربردی که دارند**

آن بالا نیست باید به اندازه فهم مردم عرضه شود و برعکس.

افکاری: من در تکمیل فرمایشات استاد انوار مسئله‌ای را عنوان کنم که دقدقه و دلسوزی و حساسیت استاد بسیار به جاست چرا که ذوق فهرستنویس نباید در فرمی محدود شده و از بین برود اگر ما صحبت از کاربرگه نسخه‌های خطی یا فرم واحدی می‌کنیم نه به جهت محدود کردن فهرستنویس و اطلاعات او در یک فرم محدود است بلکه کار داده‌پرداز و کار کسی که از آن فهرست برای بانک اطلاعات خود استفاده می‌کند آن زمانی شروع می‌شود که کار فهرست‌نگار تمام شده است. و بعد از آن است که کار اصلی شروع می‌شود و محدودیتی برای آن نیست اما این که شما فرمودید آن فرمها نباید محدود کننده باشد قطعاً همین طور است و این که ذوق مؤلف و فهرست‌نگار باید در کارش مؤثر باشد هنوز هم ما می‌بینیم که سبک‌های مختلف فهرستنویسی وجود دارد بنابراین رایانه باید در خدمت کاربردی کردن اطلاعات برای مؤلفان باشد.

استاد انوار: من با نهایت احترامی که به تمامی فهرست‌نگاران می‌گذارم باید بگویم که فهرست‌نگار باید کمی جامع‌العلوم هم باشد یعنی بداند که مطالب در چه شرایطی و با چه بیانی مطرح شده است و این از نکات ظریف فهرست‌نگاری است البته پیشنهادات آقایان که فرمودند نمایه‌ها باید زیاد شوند نیز فکر خوبی است.

افکاری: با تشکر از فرمایشات استاد انوار من از سایر اساتید خواهش می‌کنم اگر نقد یا پیشنهادی دارند بفرمایند که استاد منزوی بعد از آن اگر توضیحی در تکمیل فرمایشات خود و یا پاسخ دارند بفرمایند.

دکتر عظیمی: من در عین این که فرمایش استاد انوار را در جهت این که ذوق و استعداد فهرستنویس را باید به طور جدی پرورش داد قبول دارم باید به این نکته اشاره کنم، در واقع اصطلاح خود من این بود که هر فهرستنویس خطی باید یک مجتهد باشد و این که نتایج کشف و اجتهاد خود را در کاربرگه بنویسد منافاتی ندارد بلکه کاربرگه‌ها متفاوت و متنوع‌تر می‌شوند. باید اشاره کنم که استاد انوار این کار را قبلاً انجام دادند ولی دوستان بعدی هیچ یک به این سمت و سو نشانه نرفتند که استعداد و ذوق و قریحه و کشفیات فهرستنویس را بخواهند نادیده بگیرند و در جهت عدم رشد او بروند، قطعاً یک فهرستنویس هر لحظه باید در حال کشف باشد، کشف یک نکته، مسئله و یک مرحله جدید. من به اجمال صفحاتی از کتاب فهرست

مواجه هستیم منجمله مقدمه‌های باارزشی که فهرستنویسان درباره روش کار خود اشاره می‌کنند، پیوست‌ها، نمونه نسخه‌های خطی، نمونه یادداشت‌ها و مهرها که هر چه بیشتر خوانندگان و مراجعین به فهرست را به شناسایی دقیق‌تر نسخه کمک کند. شما چه آینده‌ای را برای این فهرستنویسی به خصوص برای نسل جوانی که بیشتر آنها کتابدار هستند و این کتابداران شاید کمتر با حوزه نسخه‌های خطی آشنا باشند پیش‌بینی می‌فرمایید. فکر می‌کنید در این فرمتی که سایر دوستان اشاره کردند، شما اگر قرار باشد عنصر جدید و کاملی برای تکمیل این نوع فهرستنویسی اضافه کنید چه چیزی را پیشنهاد می‌کنید.

استاد انوار: بنده با ماشینی کردن کارها میانه خوبی ندارم. فهرست‌نگاری یک امر خاص است، آن فهرست‌نگاری است که به کتاب نظر کرده و به عرضه آن چیزی که برگرفته است می‌پردازد. ممکن است ما استانداردهایی را تدوین کنیم ولی من با ماشینی کردن فهرست مخالف هستم. فهرست خطی باید نماینده و برگزیده ذهن آن فهرست‌نگاری باشد که به مطالب کتاب نگاه کرده و آن را عرضه کرده است و این به صورت یک کار علمی درمی‌آید. ممکن است برداشت من از یک کتاب با برداشت شخص دیگر متفاوت باشد. به قول هگل کارهای علمی دیالکتیک است به این صورت که من مطلبی را بیان می‌کنم و شخص دیگری اظهار می‌دارد که گفته شما غلط است و این کار درست مثل یک بحث فیزیکی است که رو به جلو می‌رود. به نظر من آن چیزی که در بخش کتابشناسی فهرست‌نگاری مهم است، عرضه کردن آن چیزی است که در درون و بطن کتاب است. گاهی پیش می‌آید که دو شب در کتابخانه ملی می‌مانم و یک کتاب را مطالعه می‌کردم تا ببینم بطن کتاب چه مفهوم و مضمونی دارد. فهرست را باید از حالت ماشینی درآورد و به صورت یک امر ذهنی عرضه کرد. تعریف منطقی فهرست‌نگاری آن است که مطالبی را که فهرست‌نگار عرضه می‌کند نظریه شخص خود فهرست‌نگار هم باشد. فهرست‌نگار بعد از مطالعه کتاب برداشت خود را به صورت پدیدار عرضه می‌کند و گرنه باید به صورت ماشینی به ارائه کتابشناسی آن بپردازد. مثلاً من با برخی نظریات کتاب‌کشف‌الزنون حاج‌خلیفه مخالف هستم. ای بسا که خود فهرست‌نگار در معرفی کردن مافی‌الکتاب برای فهمیدن کتاب به خواننده باید کمک کننده باشد. برخی موارد هستند که نمی‌توانند در استاندارد قرار بگیرند، فهرست‌نگاری یک امر جزئی و شخصی است و یک شخص خاص با آن برخورد می‌کند. فهرست‌نگاری وابستگی جغرافیایی دارد در کشورهای مختلف

گلپاز ویژگی مهم کار استاد در فهرست مرکز دایرالمعارف بزرگ اسلامی، جمع آمدن تجارب هفتاد ساله ایشان با استاندارد دایرةالمعارف نویسی است

وفات هر دو ذکر شده و در برخی دیگر فقط سال وفات ذکر شده، من فکر کردم شاید اگر مؤلفی فقط سال وفاتش ذکر شده سال ولادت او مشخص نبوده ولی مراجعه کردم و مشاهده کردم سال ولادت نیز مشخص است. معادل میلادی سال ولادت و وفات در برخی جاها آمده است و در برخی دیگر فقط به سال قمری بسنده شده است و یکدستی در این موارد مشاهده نمی‌شود. در موضوعات باید گفت که استاد از موضوعات یونیک استفاده کرده‌اند مثلاً به اتقان سیوطی موضوع علوم قرآنی داده می‌شود اما استاد موضوع «درباره قرآن» به آن داده‌اند، آیا علوم قرآنی اشکالی دارد که همه فهرست‌نویسان به اتقان سیوطی می‌دهند که استاد عنوان درباره قرآن را انتخاب کردند. و یا به اجازات استاد موضوع «اسناد» داده‌اند، آیا خود «اجازه» که معمولاً موضوع قرار می‌گیرد اشکالی دارد. در برخی موارد استاد سنت‌شکنی کردند و موضوعات و عبارات‌های جدیدی ارائه کردند. در فهرست راهنما ده نمایه وجود دارد و قابل تقدیر است منتهی آیا نمایه الفبایی کتاب‌ها ضرورت دارد، با توجه به این که فهرست بر اساس الفبایی عنوان کتاب‌ها تدوین شده است. امید به این دارم که استاد بنده را راهنمایی فرمایند تا نقص ذهنی من برطرف شود.

استاد منزوی: در مورد مجموعه‌ها باید بگویم که باید به همان شکل باشد برای این که مجموعه خود یک تالیف است یعنی مؤلف آن از رسائل مختلف تألیفی کرده، این تألیف باید مشخص شود. در مورد آخر که اشاره کردند با توجه به این که کتاب نظم الفبایی دارد ضرورتی برای آوردن نمایه الفبایی هست؟ باید بگویم نام کتاب‌ها و نام رسائلی که در ضمن کتاب‌ها آمده را نیز آورده‌ام و در نمایه الفبایی نام رسائل دیگر کتاب‌ها نیز آمده است. در مورد نسخه‌شناسی چیزی برای گفتن ندارم و در مورد نوع کاغذ سعی کردم که اصفهانی یا کارخانه‌ای یا فرنگی بودن آن را معین کنم و در مورد اصطلاحات نیز علاقه من به زبان فارسی باعث آوردن اصطلاحات خاص خودم شد.

افکاری: من فکر می‌کنم منظور آقای دکتر عظیمی از این جهت باشد که اگر پایانه به جای انجامه مورد قبول قرار بگیرد، مؤلفین دیگر فهرست‌ها هم می‌توانند با استاد به فارسی بودن این عبارت از آن استفاده کنند البته با توجه به این که اصطلاح انجامه نیز فارسی می‌باشد.

دکتر عظیمی: در رابطه با کاغذ من فکر می‌کنم کسی بیشتر از استاد ایرج افشار در رابطه با کاغذ کار نکرده و حتی در متون جستجو نکرده

استاد منزوی را مطالعه کردم در عین حال که تمام مزایایی را که جناب آقای گلپاز به آن اشاره فرمودند قبول دارم و بنده هم اگر یکی از اعضای داوران بودم این فهرست را به عنوان بهترین فهرست انتخاب می‌کردم، منتهی به لحاظ ذهن نقاد خود سئوالاتی برایم پیش آمد که از استاد می‌خواهم رفع ابهام کنند. اولاً من در مجموع این فهرست نسخه‌شناسی را مختصر می‌بینم، ما باید هم کتابشناسی داشته باشیم و هم نسخه‌شناسی و هیچ یک را فدای دیگری نکنیم، از دید من نسخه‌شناسی در همه معرفی‌ها مختصر آمده است. در فهرست ندیدم که نوع کاغذ تبیین شده باشد، این سنت حسنه بیان نوع کاغذ یکی از اصول و قواعد فهرست‌نویسی است که اگر به دست فراموشی برود جای بسی درنگ است. بیان وجوه هنری یک نسخه هنری ذکر نشده بود، من در وجه نسخه‌شناسی برخی نسخه‌ها اصطلاح نسخه هنری است را دیدم و وجوه هنری نسخه تبیین نشده بود. در مورد مجموعه‌ها نیز، که به صورت مجزا آمده بودند در صورتی که در الفبایی هر یک از عناوین یک مجموعه قاعدتاً جای الفبایی خود را گرفته است، من لزوم و ضرورت آن را متوجه نمی‌شوم. مضاف بر این که نسخه‌شناسی مجموعه‌ها در پایان اجمالاً آمده و در بین کتاب‌ها نسخه‌شناسی ذکر نشده است. در برخی جاها بحث کتابشناسی کمی مفصل است که از دید بنده ضرورت ندارد. مثلاً در جایی آمده است در رساله چندی از این مؤلف در کتابخانه نگهداری می‌شود بعد نام رساله‌ها آورده شده، ما می‌توانیم آن را در نمایه‌ها پیدا کنیم و نیازی به این متن کتابشناسی نداشت. در بحث موضوعات، در برخی از موارد استاد دو موضوع آورده‌اند و این باعث خوشحالی من شد زیرا استاد سنت قدیمی را یک موضوعی بودن را شکستند و به سمت دو موضوع بودن حرکت کردند، ولی این دو موضوع دادن در همه جا تعمیم داده نشده بود مثلاً ابطلال‌العاشقین که یک مثنوی عرفانی است، فقط موضوع مثنوی داده شده است آیا اگر به عنوان موضوع دوم موضوع عرفان داده می‌شد این موضوع را تکمیل نمی‌کرد. برخی از عبارات خاص به نظر می‌رسند، عبارات خاص استاد مثلاً عبارات پایانی کتاب را که اصولاً فهرست‌نویسان انجامه می‌گویند استاد احتمالاً خواستند فارسی را پاس بدارند و عبارات خاص خود، عبارت پایانه را آورده‌اند. یا مثلاً اصطلاحات نسخ و نستعلیق تحریری که بین فهرست‌نویسان متداول است، استاد به جای آنها عبارت تحریرآمیز را انتخاب کردند، اگر آن عبارات‌های متداول مثل تحریری و انجامه که از عبارات‌های متداول بین فهرست‌نویسان است غلط است استاد بفرمایند تا ما هم دیگر آن را به کار نبریم. در بخش مؤلفین یکدستی وجود ندارد، شاید این نقص از دید بنده بوده است. برای برخی مؤلفان سال ولادت و

استاد انوار فهرست خطی باید نماینده و برگزیده ذهن فهرست‌نگاری باشد که به مطالب کتاب نگاه کرده و آن را عرضه کرده است

اینها در قدمت نسخه بسیار مؤثر است، وقتی انجمله یک نسخه‌ای در قرن ۹ نوشته شده ما در درجه اول با دیده شک و تردید به تاریخ کتابت آن نگاه می‌کنیم و دو آیتی که در تأیید و یا عدم صحت آن به ما کمک می‌کند یکی کاغذ و دیگری مرکب و ساختار خط است. ما ساختار خط را نگاه می‌کنیم که آیا به قرن ۸ می‌خورد یا خیر آیا این مرکب قرن ۸ هست یا خیر و این کاغذ مربوط به قرن ۸ هست یا خیر. من به عنوان شاگرد بارها شده نسخه‌ای را از دور نگاه کردم و گفتم این نسخه مربوط به قرن ۸ است و نسخه دیگری مربوط به قرن ۱۲ است و وقتی از نزدیک تاریخ آن را مشاهده کردم دقیقاً همان تاریخ ذکر شده بود، که از نوع کاغذ متوجه آن شدم، همین که کاغذ را از دور نگاه می‌کنم قدمت و سن نسخه را از کاغذ آن تشخیص می‌دهم و این بسیار مهم است. ما باید تجربه اساتید را در بررسی نوع کاغذ و تبیین کاغذها کنار هم بگذاریم با یک آنالیز علمی به یک فرضیه جدیدی برسیم نه این که صورت مسئله را پاک کنیم.

افکاری: جناب آقای رحیمی‌ریسه شما هم اگر نکته‌ای مد نظر دارید بفرمایید.

رحیمی‌ریسه: در مورد مجموعه‌ها اضافه کنم در مورد سوالی که آقای عظیمی فرمودند که چرا مجموعه‌ها به صورت مجزا آمده‌اند، سوای نکته‌ای که آقای منزوی فرمودند که مجموعه خود به عنوان یک مجموعه ارزش دارد و باید تک تک رساله‌ها علاوه بر این که در بخش الفبایی ذکر می‌شود در آنجا هم ذکر شوند تا بتوان ذوق مؤلف را نشان داد. نکته‌ای که در فهرست اتریش ما نیز رعایت کردیم این بود که در مجموعه‌ها همین کار را انجام دادیم، در واقع تمام رساله‌های یک مجموعه را در ذیل موضوعات آوردیم و بخشی هم در پایان اضافه کردیم به نام مجموعه‌ها و همه رساله‌ها را دوباره در آنجا ذکر کردیم. منتهی کاری که آنجا ما انجام دادیم این بود که مشخصات فردی هر رساله را اگر کاتب، خط و تاریخ کتابت مستقل داشته باشد اینها را ذیل خود رساله ذکر کردیم. مشخصات عمومی مجموعه را نیز همانند مشخصات برافزوده یا اگر هم تمامی مجموعه به خط یک کاتب بوده اینها را در بخش مجموعه‌ها آوردیم. در مورد فهرست آقای منزوی به یک مورد اشاره کنم که به نظر می‌رسد یک نسخه در دو جا معرفی شده است، در صفحه ۱۷ رساله‌ای معرفی شده به نام اصول‌الدین و ذکر شده که ناشناس نام خود را در دیباچه نیاورده سپس عنوان ابواب و فصول و آغاز و انجام و منابع دیگر و مشخصات نسخه را آورده‌اید. همین نسخه عیناً با همین مشخصات با

باشد و دقیقه او کاغذ نبوده باشد. هنگامی که در حضور آقای افشار بودیم ایشان به کلی بحث تفکیک انواع کاغذ را رد کردند، ایشان با دیگران فرق دارند زیرا دقیقه ایشان کاغذ و نسخه‌شناسی است. استاد فرمودند هیچ یک از تعبیری که قبلاً در مورد کاغذ ذکر شده، تعبیر علمی، دقیق و واقعی نیستند همچنین استاد انوار نیز این مسئله را تأیید فرمودند. زیرا گاهی اوقات برخی از فهرست‌نویسان به صرف این که مکان کتابت سمرقند یا اصفهان بوده نوع کاغذ را می‌نوشتند اصفهانی یا سمرقندی که این به هیچ عنوان صحیح نیست، شاید کاغذ از فرنگ و یا از محل و جای دیگری به آنجا آمده بوده بنابراین به نتیجه رسیدیم که کاغذ باید آنالیز شیمیایی شود تا تاریخ ساخت آن مشخص شود. همانطوری که امروزه بسیاری از مواد طبیعی مثل سنگ‌ها و فسیل‌ها را می‌توان با آزمایش‌های شیمیایی تشخیص داد مربوط به چند هزار سال پیش هستند، کاغذ را هم می‌توان از روی الیاف آن شناسایی کرد که متعلق به چه قرنی است. این عدم اشاره به نوع کاغذ به این خاطر بوده که تشخیص نوع کاغذ با چشم و حتی با لمس امکان‌پذیر نیست.

استاد انوار: جا دارد نکته‌ای را مطرح کنم، ما در کتابخانه ملی دست به امتحان زدیم. نسخی را آوردند و گفتند این نسخ سمرقندی، بخارایی و یا دولت‌آبادی است، بعد از گذشت صد سال از قدمت آنها صحاف بسیار قدیمی آنها را مشاهده کرد و بدون دیدن فهرست آنها همان نوع کاغذی را بیان می‌کرد که درون کتاب و در فهرست آن نوشته شده بود بنابراین یک نوع استاندارد در بین آنها وجود دارد. همچنین ممکن است یک فرمول در ساخت کاغذ وجود داشته باشد که در شهرهای مختلف از آن تبعیت کنند مثلاً از یک فرمول خاص در شهرهای اصفهان و سمرقند استفاده شود. مسئله کاغذ همانطور که آقای عظیمی اشاره کردند در نسخ خطی بسیار مؤثر است به دلیل این که قیمت نسخه را بالا می‌برد. فرض کنید که یک مثنوی داشته باشید که روی کاغذ ترمه با خط خوب نوشته شده باشد و همین مثنوی با همین خط و نویسنده روی کاغذ اصفهانی باشد، تفاوت قیمت شگرفی در آن مشاهده می‌شود. به تازگی با دستگاهی که از واتیکان آمده در حال تثبیت کاغذها هستند تا در طول مدت عمر خود از بین نرود.

دکتر عظیمی: من نکته‌ای اضافه بر فرمایش استاد داشته باشم، جدای از این که نوع کاغذ در نفاست و یا عدم نفاست نسخه مؤثر است و جدای از این که کاغذ بررسی سیر عظیم تولید کاغذ و کارخانه‌های کاغذسازی در ایران به عنوان یک کار تحقیقی نشان می‌دهد. همه

استاد انوار

فهرست‌نگار باید کمی جامع‌العلوم هم باشد یعنی بداند که مطالب در چه شرایطی و با چه بیانی مطرح شده است و این از نکات ظریف فهرست‌نگاری است

این مجموعه، مجموعه‌ای منظم و دارای روش یکسانی است. که این نشان دهنده ذهن ریاضی استاد انوار و تجربه گرانقدر استاد منزوی است و نتیجه آن این فهرست است.

افکاری: استاد منزوی در پایان اگر فرمایشی در پی تکمیل نظر اساتید دارید بفرمایید. فهارس جنابعالی همیشه کارگشای محققان و علاقه‌مندان به نسخه‌های خطی بوده، سیر تحول روش شما در فهرست‌نگاری از فهرست کتابخانه گنج‌بخش در پاکستان و هند، فهرست‌واره جلد یک و نهایتاً تکامل عالی آن در جلد دوم مشخص است و نکته‌هایی هم که اساتید فرمودند در جهت غنای هر چه بهتر کار و سوالاتی بود که در طی بررسی کار پیش آمده بود. قطعاً کتابی که به عنوان کتاب سال برگزیده می‌شود، کتابی است شایسته و کتابی است که می‌تواند الگویی باشد برای سایر محققان. اگر صحبتی در مورد کار آخر خود و در واقع شیوه نهایی کار خود دارید بفرمایید و چنانچه پیشنهادی دارید برای فهارس دیگر که فهرست‌نویسان جوان‌تر در دست دارند و پیشنهاد می‌کنید که از آن شیوه استفاده شود ما استفاده می‌کنیم.

استاد منزوی: صحبت زیادی ندارم، این فهرست نهایت تلاش من بود و نواقص آن را هم قبول دارم زیرا کاری بدون نقص نمی‌تواند باشد. من در حال حاضر فهرست‌واره را کمال کارم می‌دانم که در جلد دهم آن سعی شده فقط منظومه‌ها از آیین تا حیات آورده شود یک جلد هشتصد صفحه‌ای فقط منظومه‌ها هستند.

افکاری: بسیار به توان شما حسرت می‌خوریم که در این سن و سال و با وجود مشغله‌های بسیار از عهده چنین کار سنگینی برآمده‌اید و همان طور که فرمودید فهرست‌واره به تنهایی اطلاعات دقیقی از همه فهارس می‌دهد به خصوص ارجاعات، تعداد نسخ، موجودی نسخه‌های متعدد در کتابخانه‌های مختلف، تعداد چاپ‌هاف فهرست‌های چاپی و تمام اطلاعاتی که مورد نیاز یک محقق است. برای شما آرزوی سلامتی و تندرستی و ادامه کار پرتوانتان به خصوص در حوزه فهرست نسخه‌های خطی فارسی دارم که اگر استاد منزوی این کار را انجام نمی‌دادند قطعاً هیچ گروه و مجموعه‌ای نمی‌توانست با این شیوه کار کند. از اساتید و شما شنوندگان محترم و مدیریت خانه کتاب به خصوص جناب آقای اوجبی که ایشان در بحث نسخه‌شناسی بسیار صاحب‌نظر هستند و ما را هم به انجام این کار تشویق می‌کنند تشکر می‌کنم.

همین شماره ثبت و همین شماره ردیف در مجموعه در صفحه ۲۲۶ با عنوان درست آن یعنی مختصرالتحفة الکلامیه از مرحوم ابن‌ابی جمهور احسنی، با همان مشخصات متن‌شناسی، نسخه‌شناسی و همان شماره ثبت آمده است، من شبیه این نکته را در جای دیگر این فهرست ندیدم آیا سهوی پیش آمده یا عنایتی بوده است.

استاد منزوی: سهوی بوده است.

استاد انوار: گاهی ممکن است سهو هم در کار نباشد ممکن است برای فهرست‌نگار در کار خود یک نسخه خوب شناخته نشده باشد و در طول کار آن را شناسایی کند همچنان که در قدیم و زمان ما مجبور بودیم هر فهرستی که می‌نویسیم همان دم برای چاپ بفرستیم و در طی کار به جایی می‌رسیدیم که آن نسخه شناسایی می‌شد و یا اصلاح می‌شد کاری دیگر نمی‌شد انجام داد و به ناچار آن را ارجاع می‌دادیم. نکته‌ای را در این جا با اجازه خانم افکاری بگویم که در مورد مسئله جُنگ‌ها است. دوستانی شاید در این جمع حضور دارند که ممکن است فهرست‌نگار باشند و به این مسئله علاقه داشته باشند، من به تجربه دیده‌ام و واجب است بر هر فهرست‌نگاری که صفحه به صفحه جُنگ‌ها را مطالعه کند زیرا در برخی از صفحات جُنگ‌ها موارد مفید و بحث‌های علمی مطرح می‌شود. مثلاً قانونی در فلسفه هست که می‌گوید «کل ما بالعرض ینتجی الا ما به الذات»، این در فلسفه مورد استفاده واقع می‌شود و به تازگی وین‌کن اشتاین اظهار داشته که این قانون غلط است و من این را در یکی از جُنگ‌های کتابخانه ملی دیدم که نوشته شده بود این قانون صحیح نیست و درج استدلال شده بود. بنابراین از خواندن جُنگ‌ها کوتاهی نکنید.

افکاری: از شما تشکر می‌کنم که به نکته‌هایی که فهرست‌نویسان باید بدان توجه داشته باشند اشاره فرمودید. آقای گلباز اگر شما هم صحبتی در مورد کار استاد منزوی دارید بفرمایید.

گلباز: من مختصراً عرض کنم از بُعد کاری که انجام می‌دهم در رابطه با بانک اطلاعات نسخه‌های خطی نگاه من به فهرست‌های مختلف نگاه کسی است که می‌خواهد آنها را در کنار هم بیاورد و به کاربر ارائه دهد و به کسی که به دنبال مطلبی در فهرست‌ها است خدمات‌رسانی کند. به نظر من فهرست دایرةالمعارف اسلامی یک فهرست کاملاً یکدست از نگاه کسی است که از ابتدا تا انتهای فهرست را می‌خواند و وارد رایانه می‌کند و آنها را تفکیک کرده و قابل جستجو می‌کند،